

فرایندِ

ظهور امام زمان (ع)

از چه مسیری میگذرد؟

از : مهندس جمال گنجه ای

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست

ورود به بحث

مستندات قرآنی

بررسی روایات آخر الزمان

از همین قلم

ورود به بحث

خداوند در قرآن کریم فرموده «ان الارض يرثها عبادي الصالحون» (سوره انبياء) و همچنین فرموده «...ارسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله...» (سوره هاي صف و براءت)

از مجموع اين سه آيه و آيات بسيار زياد هم مضمون آنها اين موضوع فهميده ميشود كه روزي خواهد رسيد كه زمين توسط افراد صالح اداره خواهد شد و قوانين واقعي اسلام مسلط و فراگير خواهد گرديد .

سؤال اين است كه مسير فرايندِ حركتِ از وضع موجود به وضع مطلوب چگونه خواهد بود؟

جواب مشهور اين است كه حركت بشريت در جهت ازدياد كفر و فساد خواهد بود تا اينكه بطور ناگهاني امام زمان ظهور كند و با كمك گرفتن از نيروهاي ماورائي بطور معجزه آسا اوضاع را به وضع مطلوب برساند.

اين جواب دلچسب نيست زيرا علاوه برآنكه نامعقول است با آن نوع از سنت هاي الهی كه در پيدايش خود دين اسلام عمل كرد ، نيز ، همخوانی ندارد .

خود پيدايش دين اسلام با تبليغ مستمر پيامبر (ص) و فداكاري خودش و يارانش ، و صبر و حوصله و پذيرش رنج ها و خُلق نيكو و استدلال و جذب سمپاتي اقشار وسيع مردم معمولی ، و سپس

هجرت ، و پیدا کردن قدرت ، به پیش رفت و خداوند کار پیامبر اسلام (ص) را با ارائه معجزه های پیاپی پیش نبرد بلکه مسیر پیامبری آنحضرت از راه های معقول رفتارهای پسندیده بشری پیش رفت ، تا آنکه قدرت آنحضرت به جایی رسید که با فتح مکه توانست موانع مسلمان شدن اقشار عظیم آدم های معمولی زادگاه خودش را نیز بر طرف کند .

به همین طریق میتوان نتیجه گرفت که «قرائت جدید صحیح مطلوب از اسلام» که به عقیده ما شیعیان توسط امام زمان (ع) ارائه خواهد شد، از راه های معجزه ای غیرقابل پیش بینی نخواهد بود بلکه یک فرایند معقول و مفهوم و منطقی و قابل پیش بینی خواهد داشت .

این موضوع را در چند بحث جداگانه ، چنانکه در ذیل می بینید پی میگیریم :

۱- ظاهراً چنین به نظر میرسد که همه چیز مرتب است و احتیاجی به وجود امام زمان (ع) نیست .

امروز کشورهایی که هنوز دموکراسی ندارند ، خواه و ناخواه دارند به طرف آن سوق می یابند و چیزی نخواهد گذشت که حکومت همه کشورها از نوع دموکراسی باشد .

دموکراسی چیست؟ دموکراسی یعنی اینکه کشورها براساس خواسته ملت ها اداره شوند و یعنی اینکه مجلس های برآمده از انتخابات واقعی قوانینی وضع کنند و دولت ها آنها را اجرا کنند .

پلیس ها مجرمان را دستگیر و قاضی ها آنها را بر مبنای آن قوانین محاکمه کنند .

محققین کسری های قانونی را کشف ، و مجلس ها قوانین را تکمیل و اصلاح نمایند .

رسانه های آزاد مطالب مورد نظر مردم را مطرح و به گوش و چشم مردم و مسئولان برسانند .

در هر حال دنیا دارد به طرف چنین حالتی پیش میرود و گرچه این اوضاع در همه کشورها جانیافته است ، اما ، به نظر میرسد تا پایان قرن حاضر همه کشورها چنین وضعی خواهند داشت .

در این شرایط که به نظر میرسد بشر دارد خودش مشکلاتش را حل میکند ، - هم شعورش را وهم قدرت تکنولوژیکش را دارد - چه نیازی به وجود امام زمان (ع) است؟

۲ - اما آنچه در فصل قبل گفته شد ظاهر مطلب است .

در زیر پوست این ظاهر ، نقائص و نارسائیه‌ها و اشکالات بزرگی نهفته است که همگان اجمالا با آنها آشنائی دارند . اشکالاتی از قبیل :

فسادِ عریانِ اکثریتِ قریب به اتفاقِ حاکمانِ جهان

چند مثال کوتاه کمک میکند :

موضوع کلینتون و مونیکا لوینسکی که اسرائیلی‌ها بغلش کاشتند تا کنترلش را در دست داشته باشند را که بیاد دارید ! و کتمان حقیقت و حتی دروغگوئی او در دادگاه ، که سبب شد اکثر نیرو و انرژی در دوره دوم ریاست جمهوری‌اش به عوارض این مطلب صرف شود .

یا افتتاح رئیس صندوق بین المللی پول که به مستخدمه هتل تجاوز کرد و مدت‌ها درگیر کارهای دادگاهی بود و بعدا معلوم شد که اصلا کار این یارو همین بوده و هر جا یک زن دست یافتنی را می‌بیند معطلش نمی‌کند ، یا برلوسکونی نخست وزیر اسبق ایالیا که اخیرا در دادگاه جرمش ثابت شد که فرار مالیاتی کرده و به این خاطر به چهار سال حبس محکوم شد که همین حالا مشغول گذراندن آن است و همین برلوسکونی یک زناکار علنی بود و کسانی با دوربین‌های قوی از فاصله‌های دور عکس‌های آن چنانی از او گرفته‌اند و او هم انکاری نمی‌کرد و فقط یکبار برای این موضوع پایش به دادگاه باز شد به این عنوان که فاحشه مربوطه زیر سن قانونی بوده و او گفت نمیدانستم و تبرئه شد .

موضوع اخیر ادوارد اسنودن که فاش کرد امریکا از همه دولت‌های دیگر شنود و جاسوسی میکند و اسناد فاش شده ویکیلیکس هم هنوز تازه است که در اختیار مطبوعات قرار گرفت و معلوم شد تقریبا همه رهبران دنیای متمدن - علی‌قدر مراتبهم - مانند آنها که فوقا گفتیم فاسد و دغلکار هستند .

این گوشه‌ای از فساد گسترده در مقامات خیلی عالیرتبه است اما کمی پائین‌تر - یعنی در سطح مدیر کل‌ها و روسای ادارات - که فساد خیلی گسترده‌تر و شایع‌تر و فراگیرتر است و اگر بخواهیم نمونه ذکر کنیم خیلی طولانی میشود و لازم هم نیست زیرا تقریبا همه میدانند .

بطور کلی فساد گسترده عمیق عریان حکام در هر رده‌ای بسیار بیش از آن است که مختصری از آن را گفتیم و البته در جوامعی که مردم روشن‌ترند توسط افکار عمومی کنترل میشود مثلا در

موضوع «واترگیت» نیکسون در اوج موفقیت در اوایل دور دوم ریاست جمهوری اش نتوانست در مقابل فشار افکار عمومی مقاومت کند و استعفا کرد و معاونش در بقیه مانده دوره او رئیس جمهور شد.

اما هر چه به طرف جوامع عقب مانده تر میرویم می بینیم که افکار عمومی قابل کنترل ترند، چه از طریق گول زدن و چه از طریق سرکوب.

ناتوانی اکثر حاکمان جهان از حل مشکلات مهم

برای این موضوع لازم نیست مثال های زیادی ذکر کنیم و وقایع اخیر و مشکلات اقتصادی جامعه اروپا که هر روز آشوب و اعتصاب های خشن و سقوط دولت ها را دارند و خود خبرگزاری های بی بی سی و یورو نیوز اخبارشان را پخش میکنند عیان تر از آن است که حاجت به بیان داشته باشد و از لحاظ اجتماعی هم اینکه هر روز یکنفر اسلحه بکشد و بچه مدرسه و پیرمرد و پیرزن و کاسب و عابر را بکشد دیگر تعجب کسی را بر نمی انگیزد. همه این اتفاقات روز بروز گسترده تر و عمیق تر میشود و حاکمان نمیتوانند آن را حل کنند. امروز دیگر دولت ها امور اقتصادی را اداره نمی کنند بلکه مافیاهای این کار را میکنند و وقتیکه از دستشان در رفت و گیر افتادند با رشوه های کلان، قاضی ها و هیئت های باصلاح منصفه را وادار به رفع مشکلشان می کنند. این تازه مال جوامع به اصطلاح پیشرفته است، راجع به جوامع عقب مانده تر که درد از بس عمیق و گسترده و ریشه دار است که شخص در می ماند که چه بگوید اما چون همگان تصور نیبنا واضعی از آن دارند لازم هم نیست حتما چیزی گفته شود.

خرافات و بدفهمی های گسترده و عمیق در مفاهیم دینی

در این موضوع حرف آنقدر زیاد است که اگر بخواهیم بگویم آنقدر طولانی است که کسی حوصله خواندنش را ندارد لذا فقط به ذکر چند سرفصل محسوس و ملموس بسنده میکنیم:

«فضائی ها»، ارواح و اشباح و قدرتهای شیطانی، گودزیلا ها و موجودات غول شده ژنتیکی خارج از کنترل، تناسخ و زندگی این جهانی پس از مرگ، سفر به گذشته و آینده، حش ششم و اطلاع بر غیب، تصرف در اشیاء و عناصر محیط، جادو، فال قهوه و ورق و کف بینی و احضار ارواح و.....

اینها عناوینی است که هر روز فیلم‌ها و مقالاتِ گول‌زننده‌ای در چارچوب‌شان تولید انبوه می‌شود، که ظاهرِ باصطلاح تحقیق شده هم دارند، و اینطور وانمود می‌شود که «علمی» می‌باشند، اینها روزانه بطور سیستماتیک وارد بازارهای همه کشورها می‌شود و بطور دائمی اذهان عمومی را مورد هجوم قرار می‌دهد و تلویزیون خودمان هم که ادعای اسلام – اسلام‌شان به عرش می‌رسد نیز اینها را پخش میکند چه رسد به کشورهای دیگر که چنین ادعایی هم ندارند.

یعنی یک قشر ضخیمی از اباطیل و خرافات اذهان اکثریت مطلق احاد بشری را احاطه نموده و نه تنها چیزی از آن کم نمیشود بلکه به علت تولید انبوه و سیستماتیکِ قطع‌نشدنیِ دائما به حجم و ضخامت آن افزوده می‌شود و مانع است از اینکه بتواند لحظه‌ای به چیزی فکر کند.

نتیجه این جریان نیز ایجاد میلیاردها آدم‌نماهایی است که چیز مثبتی در آینده نمی‌بینند و پوک و بی‌ریشه و بی‌هویت و مایوس و سرخورده و مایل به خشونت و دنبال فقط ارضاء غرایزند و اگر توانستند که به هر قیمتی ارضاء می‌کنند ولو با تجاوزات به ابتدائی‌ترین حقوق دیگران و اگر نتوانستند باپناه بردن به اینهمه انواع مخدرها ارضاء را بطور دروغین می‌جویند.

ظلم‌های عظیم و عمیق و گسترده‌ء رو به افزایش

خشونت افسارگسیخته‌ء رو به گسترش تقریباً در همه جا

خرابی وسیع و رو به گسترش محیط زیست

وقوع روزافزون جرائم و جنایات سازمان یافته در حالت کاملاً عریان،
علیرغم وجود نهاد‌های پلیسی مجهز به تکنولوژی‌های پیشرفته

عادی شدن اخبار مرگ انبوه انسان‌ها در اثر گرسنگی

تفاوت زیاد سطح زندگی بطوری که عده کثیری دچار فقر سیاه، و
عده کمی برخوردار از رفاه‌های افسانه‌ای هستند و اکثریت مردم نیز

که بین این دو حالت اند در حال دوندگی دائمی برای حفظ وضع موجودِ خویش می باشند

اعتیاد گسترده روزافزون به الکل و مواد مخدر و سایر مخدرهای شیمیائی
نوظهور

انحطاط عمیق و گسترده اخلاقیات و اشاعه گسترده فسادهای جنسی
و غیره و غیره

این است وضع فعلی بشر .

البته در جاهائی که می بینید با قلم ریز تر شرحی ننوشته ایم به این علت است که آن موارد واضح است و شرحی نمی طلبد .

۳ - بشر آرزوی حل کامل مشکلات پیشگفته را دارد

بشر میخواهد : حاکمان صالح باشند و به محض مشاهده ناصالحی هریک
فورا برکنار و مجازات شوند .

هیچ ظلمی به هیچ ذیرواحی نشود .

هیچ خشونت ناحقی در هیچ موردی به وقوع نپیوندد .

فکر مردم تصحیح شود و خرافات ، بددینی ، عادات زشت ، و انواع
پندارهای غلط و باطل از میان برود.

هیچکس به فقر — چه رسد به فقرسیاه- دچار نباشد .

اعتیاد و تمام انواع فساد ریشه کن شود .

رهبران جهان عاقل و عادل و قادر به حل مشکلات حوزه مسئولیت خویش باشند .

اشکالاتی که در محیط زیست پدید آمده جبران شود .

و بطور کلی همه چیزهای نا مطلوب از بین برود و مطلوبیت جایگزین شود .

۴ — برخی سیستم های مسلطِ فراملی وجود دارند که ضامن بقای مشکلاتِ برشمرده قبل هستند و تا آنها هستند آرزوی بشر برای ایجاد اوضاع مطلوب تحقق کامل نخواهد یافت .

امروز تقریباً همه آحاد انسانی تحت تاثیر عواملی هستند که نوعا «فراملی» محسوب میشوند .

مثلا امروز با این حالت فراملی بودن سیستم های رسانه ای (مثلا امواج رادیو- تلویزیونی که توسط ماهواره ها پخش میشود) اقدام دولت ها در ذهنیت سازی افراد مملکت خویش ناموفق میماند .

درباره تاثیر این عوامل «فراملی» در تصمیم گیری های دولت ها بسیار میتوان نوشت ، آنقدر که از حوصله همگان بیرون باشد ، اما نیازی به آن

نیست ، زیرا تقریبا همگان شمه ای از آن را میدانند ، لذا برشماری آنها تکراری ولغو است ، اما ، فقط به عنوان مثال به ذکر یک مورد معمولی می پردازیم :

یکی از دولت هائی که خود را جزء دولت های بسیارمقتدر محسوب میداشت و قطنامه های سازمان ملل را کاغذ پاره میخواند و ادعای مدیریت نوین جهان را داشت و سایر ادعاهایش به آسمانها میرسید یکی از مقامات دولت را به ریاست فدراسیون فوتبال گماشت . سازمان فیفا به آن دولت گفت این موضوع از نظر فیفا خطاست و شما باید اساسنامه فدراسیون تان را با دستورالعمل های ما هماهنگ کنید .

دولت مورد اشاره آن کار را نکرد ، فیفا ضرب الاجلی تعیین کرد که اگر تا آن وقت این کار انجام نشود در فلان مسابقه بین المللی مانع حضور تیم شما خواهیم شد .

نتیجه این شدکه دولت مقتدر مذکور بی سر و صدا آن قسمت از اساسنامه مورد نظر را با دستورالعمل های فیفا هماهنگ نمود و از گماشتن آن مسئول دولتی در راس فدراسیون فوتبال منصرف شد .

این ، یک نمونه معمولی از عوامل «فراملی» در تاثیرگذاری بر تصمیمات دولت ها (تازه آنها هم دولت های مقتدر) است و مثال های این مقوله آنقدر زیاد است که اگر بخواهیم به شمه ای از آن پردازیم این

فصل آنقدر طولانی خواهد شد که از روش ما (که رعایت اختصار است) دور خواهد گردید .

امروز اگر بخواهیم فقط لیستی از سازمان ها و موسسات فراملی که در زندگی آحاد بشر تاثیر مستقیم دارند تهیه کنیم چنان طولانی خواهد شد که حتی خواندن اسامی آنها نیز کار سختی خواهد بود .

با وجود این برای درک عظمت گستردگی موضوع ، بدون کوچک ترین شرح و تفصیلی ، فقط به چند عنوان کلی اشاره ای می کنیم :

سازمان ملل و **توابع آن** (شورای امنیت ، شورای حقوق بشر ، کنوانسیون های بین المللی - مثلا محیط زیست ، حقوق کودک ، آب و هوا ، فائو ، و ده ها کنوانسیون دیگر -)

سیستم های ماهواره ای (رادیو تلویزیونی ، مخابراتی ، تحقیقاتی ، جاسوسی و ضدجاسوسی ، و ده ها نوع دیگر)

اینترنت

شبکه های اجتماعی اینترنتی (مانند فیس بوک ، یوتیوب ، گوگل پلاس ، و امثال آنها)

رسانه ها (اعم از رادیو تلویزیون ها ، روزنامه ها ، مجلات - عمومی و تخصصی - ، سازمان های فیلم سازی ، و غیره)

سیستم های اقتصادی جهانی (مثلا بانک جهانی ، صندوق بین المللی پول ، سازمان تجارت جهانی ، سازمان های بورس ، و ده ها امثال آنها)

مؤسسات و سازمان های تحقیقاتی (وابسته به دولت ها یا دانشگاه ها

یا شرکت های چندملیتی) دارای کارکردهای علمی ، اجتماعی ، آموزشی ، و غیره .

سازمانهای جاسوسی (مانند سیا ، ام آی ۶ ، موساد و ده ها امثال آنان)

سازمان ها و مؤسسات ورزشی و اقمارانان (که قبلا به یک مورد کوچک از تاثیر مستقیم آنها بر تصمیم یک دولت مقتدر ذکر کردیم)

سازمان ها و مؤسسات تبلیغاتی بین المللی و شرکتهای وابسته به آنها (که دیگر در باره آنها چه بگوئیم !)

سازمان ها و مؤسسات عظیم کامپیوتری – اعم از سخت افزاری و نرم افزاری (مایکروسافت ، گوگل ، یاهو ، آپل ، و ده ها مانند آنها) و غیره و غیره .

توجه داشته باشید که سقوط حکومت های تونس و مصر به علت بجوش آمدن غیرت مردم و به خیابان ریختن آنها واقع شد و خود موضوع اخیر نیز به علت کارکرد شبکه اجتماعی فیس بوک بود که یکی از شاخه های فرعی اینترنت است .

حکومت لیبی در اثر کارکرد ناتو به زانو درآمد و همین کارکرد سازمان های فراملی است که مانع به زانو درآمدن حکومت بحرین است و گر نه بحرین کجا و لیبی کجا !

نکته مهم اینجاست که در پس ظاهر قدرتمند سازمان های فراملی مذکور تعدادی «محافل متنفذ» وجود دارند که اکثر افراد موثر سازمان های فرا- ملی مذکور عضو آنها هستند .

محافلی مانند فرماسونری ، کمیته ۲۰۰۰ ، کنفرانس سه جانبه ، صهیونیزم ، وامثالهم .

علاوه بر آن تعدادی «کلوپ» هم هستند که اکثرا لابی عضو گیری «محافل» فوق الذکر میباشند ، مانند لاینز کلاب ، داینرز کلاب ، روتاری کلاب ، و غیره و غیره .

بعبارت دیگر ، سران و افراد موثر سازمان های فراملی (که قدرتی بیشتر از دولت ها دارند) توسط «محافل» فوق پذیرفته میشوند تا منافع آنها تامین و حفاظت و گسترده و تعمیق شود .

یعنی قدرت واقعی در دست سازمان های فراملی ، و قدرت واقعی تر در دست محافل غیر رسمی و غیر ثابت شده و غیر تابلودار است .

عجیب است ، نه ؟

اما متأسفانه کاملاً واقعیت دارد!

فقط یک نمونه را ذیلاً عرض میکنیم :

در تاریخ ۹۰/۱۰/۲۶ یکی از خبرهای بولتن خبری بی بی سی این بود که از ۴۳ رئیس جمهور آمریکا (از جرج واشینگتن تا حالا) ۱۳ نفرشان فراماسون بوده اند .

آیا تاکنون کسی یک «تابلو» از مافیایا یا فراماسونری یا صهیونیسم دیده؟

نه ! اما در عین حال همگان تصویری از قدرت فوق العاده آنها دارند .

خلاصه اینکه امروز ، قدرت های برتر و قدرت های موثر در دست کسانی است که جلوی چشم دوربین ها نیستند و تاثیر اعمالشان تیر درشت روزنامه ها نمیشود و مردم معمولی وجود آنها را احساس نمی کنند اما از فرق سر تا ناخن پا تحت تاثیر فعل و عمل آنها قرار دارند .

سؤال : اشخاص موثر (اما ناپیدا و نا محسوس) فوق در طبقه بندی «آدم های خوب» قرار میگیرند یا جزء «آدم های بد» هستند؟

جواب واضح است ! آدم های خوب که خود را پنهان نمی کنند . آیا پیامبران ، مصلحین اجتماعی ، علمای بزرگ ، فلاسفه ، و خلاصه این تیپ اشخاص که همگی آنها را «خوب» قلمداد میکنیم ، پنهانند یا در دسترس ترین اشخاص میباشند؟ اما ، دزدان ، قاتلان ، کلاهبرداران ، متجاوزان ، و امثال آنها ، چطور ؟

بنا بر همه آنچه که گفته شد ، آدم های بدی وجود دارند که در محافل پرنفوذ و پر قدرت مخفی جلسه میکنند و رئوس کلی برنامه های اصلی جهان را اعم از اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و علمی و تبلیغاتی و غیره تدوین ، و از طریق سازمان های فراملی اجرا میکنند و در این جریان به به شدت حواسشان هست که هر اتفاقی قرار است در دنیا بیفتد منافع خودشان و عده ای خاص از مرتبطين شان نه تنها حفظ شود که گسترش هم بیابد و تعمیق هم بشود .

یعنی همه مردم دنیا را اصطلاحاً «سرکار» گذاشته اند و همه مردم دنیا بدون اینکه بدانند دارند برای آنها کار میکنند .

آیا این خوب است؟

جواب واضح است .

چرا این وضع تداوم دارد ؟

علت اصلی تداوم این وضع آن است که مردم (و عادی ترین مردم) این چیزها را نمی دانند و اگر بدانند ، چنان خونشان به جوش می آید که با به وجود آمدن حتی یک بهانه کوچک هم ، چیزی که در تونس و مصر و یمن و لیبی اتفاق افتاد ، بلکه بالاتر از آن ، اتفاق می افتد .

۵ - ظهور امام زمان(ع) را باید در چنین فرایندی دید .

اگر مطالب پایانی بخش قبل را مرور کنید توجه دارید که حل کامل همه مشکلات درگرو حرکتِ مردمی گسترده برای مخالفت با چیزی است که در همان بخش شرح داده ایم .

یعنی اینکه وقتی مردم (عموم مردم - عادی ترین مردم) به این جمع بندی برسند که حکومت ها و سازمان های فراملی دارند سرشان کلاه میگذارند و دارند دائما به آنها دروغ تحویل میدهند و بالاخره به این نتیجه برسند که باید دنبال کسی راه بیافتند که به آنها راست بگوید و کلاهشان را بر ندارد و اصلا از نوع آن قبیل اشخاص نباشد ، تازه آنوقت است که در ابتدای راه صحیح قرار گرفته اند .

امام زمان(ع) کیست ؟

امام زمان (ع) کسی است مانند امام های دیگر(ع) با این تفاوت که امام های دیگر در زمانی زندگی میکردند که سطح فکر و فهم و توقع مردم

آنقدر پائین بود که ارزش شان شناخته نمیشد و فقط عده انگشت شماری ارزش آنها را میدانستند و از آنها همان اطاعتی را میکردند که از پیامبر (ص) میکردند .

(امیرالمومنین درجائی فرموده بود : الدهر انزلنی ثم انزلنی ثم انزلنی حتی یقولون معاویه وعلی (یعنی اینکه روزگار مرا آنقدر پائین و پائین و پائین آورد که مردم مرا در ردیف معاویه قرار میدهند) و امام حسین -ع- هم فرموده بود دربی ارزشی دنیا همین بس که سر پیامبران را به عنوان پیشکشی نزد زنان زانیه می برند - منظور آنحضرت هم حضرت یحیی بود که برای حکم بطلان ازدواج حاکم وقت ، زن حاکم به اصرار از شوهرش قتل او را خواستار شد و بالاخره سر حضرت یحیی در سینی تقدیم زن زناکار آن حاکم قرار گرفت -)

اگر مردم بطورعموم ، و بطور اکثریتی ، به این جمع بندی برسند که هر کسی که قوی و شعاری میدهد به نوعی انگیزه ای دارد و بالاخره یک جوری - ولو نامحسوس - انگیزه شخصی دارد ، به عبارت دیگر هیچکس خالی از انگیزه شخصی - ولو بسیار نامحسوس و غیر قابل تشخیص- نیست ، و آنها باید دنبال یک «نماینده واقعی خدا» بگردند ، در اول راه صحیح قرار گرفته اند .

ظهور امام زمام (ع) مانند ظهور پیامبر (ص) است و از همان قانون الهی پیروی میکند .

پیامبر(ص) چگونه ظاهرشد؟

موجودیتش را اعلام کرد ، مواضعش را اظهار کرد ، قدرش را ندانستند ، تکذیبش کردند ، و ساحر و کاهن و کذابش خواندند ، خودش و یارانش را آزار و اذیت کردند ، و حتی مصمم به قتلش شدند حتی برای این کار یک جوخه ترور هم تشکیل دادند . اما پیامبر و یارانش حوصله به خرج دادند ، بر مشکلات راه صبر کردند تا کم کم آوازه شان بلند شد و گرچه این بلندآوازی در زادگاه و وطنش کمکی به او و راهش نکرد ، اما پانصد کیلومتر دورتر کسانی بودند که برای رفع مشکل حاصل از اختلافاتِ تمام نشدنیِ بینِ قبیله ای خود دنبال یک «رهبر» میگشتند و تشخیص دادند که اگر پیامبر(ص) رهبری آنها را بپذیرد ضرر نخواهند کرد زیرا او مرد خداست و سرشان کلاه نخواهد گذاشت ، بیعت کردند و این بیعت برای آنحضرت قدرت ایجاد کرد و قدرت جدید به نفع اهالی زادگاهش هم شد زیرا اوضاع آنها نیز از همه جهت درست شد .

امروز هم همان فرمول الهی کار میکند .

ظهور امام زمان(ع) هم همینطورها است ، از همان فرمول پیروی میکند و در ابتدا مردم باید به این جمع بندی برسند که این اوضاعی که دارند در خور آنها نیست و آنها لیاقت بیشتر از این را دارند و سپس بفهمند که فقط یک «مرد خدا» میتواند کارشان را درست کند ، و آنگاه او را بخواهند ، و وقتی که عده زیادی به این حقایق رسیدند فرایندِ «ظهور» هم کلید میخورد .

۶ - چگونه ممکن است کسی بتواند توده های عظیم مردم را در جهتی الهی به حرکت در بیاورد؟

این موضوع یک شرط و فقط یک شرط دارد و آنهم این است که مردم بتوانند به او اعتماد کنند .

به عبارت دیگر کسی میتواند توده های عظیم مردم را در جهتی الهی به حرکت در بیاورد که لااقل در حدّ پیامبران الهی(ع) باشد و مردم این موضوع را پذیرفته باشند.

چرا ؟

زیرا پس از استقرار دموکراسی در همه جا ، و جا افتادن آن پس از مدتی ، و عادت کردن همگانی به آن ، بطوریکه دیگر برگشت انواع حکومت های خودکامه محال باشد ، مردم همگی خود را با یکدیگر و با حکام برابر می بینند ، و از آنجا که کسی بی عیب نیست ، و هر کس به عیوب خویش واقف است ، در اثر قیاس به نفس ، بقیه ، و به خصوص حاکمان را ، از خود بالاتر نمی بیند و لذا در غیر از موضوع آب و نان و برق و اسفالت و امثال آن ، زیر بار دیگری نمیروند . از طرف دیگر ، غریزه حبّ ذات سبب میشود هر کس خود را مطلوب و خوب و بلکه بهتر از دیگران بداند و در نتیجه نیازی به تعالی و حرکت در راه آن احساس نکند و به همان چیزی که هست راضی و قانع باشد . مجموعه این عوامل هر شخص را به آنجا میرساند که در مقابل هر دعوتی برای

تعالی مقاومت کند . مگر اینکه برایش محرز شود که دعوت کننده از او بالاتر و بسیار بالاتر است .

اگر در نوع تکالیفی که پیامبر اکرم (ص) بطور خاص و پیامبران (ع) بطور عام داشته اند دقیق شویم خواهیم فهمید که ماهیت یکی از محورهای عمل آنها «رفع موانع رشد و تعالی بشریت» بوده است که به وضوح در آیه ۱۵۷ سوره اعراف مورد اشاره قرار گرفته است .

بنا بر این اهم وظایف امام زمان (ع) نیز همین است .

وظیفه دیگر آن حضرت قسمت غیرانحصاری وظایف پیامبران (ع) است که در آیه ۲ سوره جمعه در جملات «یزکیهم» و «یعلمهم الکتاب و الحکمه» ذکر شده است .

البته واضح است که جمله دوم (یعلمهم...) نسبت به جمله اول مانند فرعی به اصلی است .

بنابراین وظایف امام زمان (ع) دو محور دارد :

- ۱- سلبی (رفع موانع رشد بشریت)
 - ۲- ثبوتی (ایجاد زیر ساخت های رشد بشریت)
- هر دو این محورها به «قدرت زیاد» نیاز دارد .

قدرت زیاد چگونه بدست می آید؟

جواب واضح است : از گرایش و پیروی انبوه مردمی .

گرایش و پیروی انبوه مردمی چگونه بدست می آید ؟

در اینجا هم دو محور سلبی و اثباتی دیده میشود :

- ۱- مایوس شدن از وعده ها و راه حل های مدعیان رایج
- ۲- وجود وعده ها و راه حل هایی که اگر از سوی شخص مطلقا قابل اعتمادی ارائه شود مورد پذیرش انبوه عمومی قرار خواهد گرفت .

۷ - راه رسیدن به حالتی که درانتهای بخش قبل مطرح شد

اگر به مطالب بخش قبل دقت نموده باشید ملاحظه نموده اید که امام زمان(ع) وقتی ظهور خواهد کرد که امکان موفقیتش فراهم باشد و وقتی امکان موفقیتش فراهم خواهد بود که دارای «قدرت زیاد» بشود و این امر هم موکول به «استقبال عمومی گسترده» از او است .

وضع امروز جهان در رابطه با موضوع فوق چگونه است؟

هرگز در تاریخ بشر روزهایی مانند این روزها نبوده است .

بعبارت دیگر فرایند ظهور امام زمان(ع) از همین راه های میگذرد که حرکت های موسوم به «بهار عربی» طی نموده ، با این تفاوت که حرکت های اخیر الذکر در جستجوی دستاوردهای کوچکتري هستند و ضمنا تقریبا خیلی زود از طریق فرصت طلبان مورد نفوذ و مصادره قرار میگیرند ، - و چنانکه می بینید در برخی جاها بطور صریح

و عریان و در سایر جاها بطور اندکی پوشیده تر مورد نفوذ و مصادره قرار گرفته اند - اما هدف های خواهندگان امام زمان (ع) خیلی بزرگتر و بلندتر است :

هدف هائی مانند «رهائی کلّ بشریت از قیود دست و پا گیر مانع تعالی» و «قدم گذاری کلّ بشریت در جاده تعالی» و مانند آن .

با وجود این ، چون هدف های کوچکِ جریان های موسوم به بهار عربی «زیرمجموعه» آن هدفهای بزرگ است میتوان نتیجه گرفت که رسیدن به آن هدف های بزرگ نیز از همین راه ها میگذرد .

اثبات وجود امام زمان (ع) بر اساس مستندات قرآنی

در ترجمه جلد ۱۳ بحارالانوار که تماماً مربوط به امام زمان (ع) است ، آیاتی را از قرآن کریم ذکر نموده و مدعی شده که آنها دالّ بر وجود آنحضرت است ، اما به نظر این قلم آنها هیچ تصریحی به این موضوع ندارند . آنها آیاتی از قبیل «ونريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض.....» و «ارسل رسوله بالهدى و دین الحق ليظهره على الدين كله.....» و «بقية الله خير لكم...» و «ان الارض يرثها عبادى الصالحون» و امثال آن می باشند .

اما ، به نظر این قلم ، یک چنین موضوع مهمی نمیتواند مستند قرآنی روشن و واضح نداشته باشد .

مستندات قرآنی مورد بحث را در دو جا باید جستجو کرد :

۱ - وظایفی که پیامبر (ص) **موظف** به انجام آنها شد ، اما ، به علت وفاتش **موفق** به انجام آنها نشد ، و البته امام زمان کسی است که آن وظایف را به انجام برساند ، زیرا که خداوند سخن لغو نمیگوید و دستوری نمیدهد که اجرا نشده بر زمین بماند .

۲ - وظیفه ثابت پیامبرانه همه پیامبران ، از جمله پیامبر عظیم الشان ما ، که نمیتوان آن را «پست بلا تصدی» تصور کرد .

و اینک شرح مختصر هریک :

۱- وظایف بر زمین مانده پیامبر (ص)

در آیه ۷۳ سوره توبه ، و در آیه ۹ سوره تحریم می فرماید «یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم...»

آیا پیامبر (ص) این کار را کرد؟ سوره های مذکور آخرین سوره های نازل ، و عمر شریف آن حضرت رو به اتمام بود که آیه های مذکور و (آیات مشابه دیگر) نازل میشد . آیا خداوند نمیدانست که آن حضرت فرصت نخواهد داشت؟ چرا خداوند این نوع آیات را نازل فرمود؟ برای اجرا نشدن؟

همه اینها بما میگوید پس از آنحضرت کسی باید این ماموریت را به انجام برساند .

در آیه ۱۵۷ سوره اعراف بعضی از ماموریت های آنحضرت را چنین بیان میکند «...یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم....»

آیا آنحضرت همه این امور را به انجام رسانید؟ آیا امروز مسلمانان همه طیب میخورند و خبیث از آنها دور است و بارهای گران بر پشت شان و غل و زنجیرها بر گردن هایشان و دست و پایشان نیست؟ و اساسا آیا میدانند طیب کدام است و خبیث چیست و اصلا آیا بارهای گرانشان را

احساس میکنند؟ و اصولاً میدانند که بار گران کمر شکن را دارند
تحمل میکنند؟ و اساساً از وجود غل و زنجیری بر گردن و دست و پای
خویش با خبرند؟

۲ - انجام وظیفه ثابت پیامبرانه

در آیه ۱۱۷ سوره مائده از قول حضرت عیسی (ع) در جواب خداوند
می فرماید «...كنت عليه شهيدا ما دمت فيهم...» و در آیه ۱۵ سوره
مزل می فرماید «...ارسلنا اليكم رسولا شاهدا...» و در آیه ۴۵ سوره
احزاب می فرماید «...ارسلناك شاهدا...»

امروز که آنحضرت در بین ما نیست آیا این کار - یعنی نظارت بر
کارهای امت - تعطیل است؟

جواب این سوال ها ما را به امام زمان می رساند .

به دیگر سخن امام زمان کسی است که هم اکنون وظیفه «شاهد»ی
پیامبر را دارد انجام میدهد و در وقت مناسب که مسلمانان احساس نیاز
کردند می باید بیاید و کارهای زمین مانده پیامبر (ص) را نیز به انجام
برساند .

بررسی کوتاه روایات مربوط به «آخر الزمان»

بطور کلی روایاتی را که در باره «آخر الزمان» در کتب روایی وجود دارد میتوان به سه دسته کلی تقسیم کرد :

الف : حوادثی که در زمانی بسیار نزدیک به ظهور اتفاق می افتد ، از قبیل فرو رفتن زمین در محلی بنام بیداء و خروج سفیانی و دجال و کشته شدن نفس زکیه و امثال این نوع اتفاقات ، که البته این نوع حوادث مورد بحث این بخش نیست .

ب : حوادثی که آنقدر دارای بار «کلی گوئی» است ، که همواره از همان زمان صدور روایات (از حدود ۱۲۰۰ سال قبل) تا کنون ، میتوان در باره آنها گفت : «ببینید این نشانه آخر الزمان است» ، از قبیل شل شدن کنش های خالص و واقعی دینی ، و رشد لابیگری ، و ظلم حکام ، و گسترش فساد ، و دور شدن از تعالیم پیامبر (ص) ، و گسترش ریا ، و استفاده ابزاری از دین ، و امثال آن . و این نوع مطالب هم مورد نظر این بخش نیست .

ج : حوادثی که اشاره به وقوع مطالب و اوضاع و اتفاقات خاصی دارد که بطور روشن قابل تشخیص است ، بطوریکه میتوان زمانی را مشخص کرد که قبل از آن ، آن حادثه و واقعه یا حالت هنوز واقع نشده بود .

این نوع حوادث و اتفاقات مورد توجه این بخش می باشد مثلاً وقتیکه در روایتی ذکر میشود که «عرب از یوغ اسارت عجم در می آید» ، این اتفاقی است که در هرحال قبل از پایان جنگ جهانی اول نیافتاده بود و قضیه «لورنس عربستان» چند سالی پس از ۱۹۱۹ بوده که امپراتوری عثمانی تجزیه و متصرفات آن توسط اروپائیان به نسبت قدرتشان تصرف شد و اعراب استقلال نیم بندی بدست آوردند .

در باره این نوع روایات بطور کلی میتوان گفت که چون در چارچوب کلی بیانی «وای وای آخرالزمان شده!» روایت شده ، بار منفی زیادی را به شنونده (و خواننده) منتقل میکند ، در حالیکه بار مثبت زیادی هم در آنها هست که آن بار منفی سنگین مانع دیده شدن آن بارهای مثبت میگردد .

ما در اینجا به بعضی از آن روایات دارای بار مثبت – که معمولاً دیده نمی شوند – می پردازیم :

۱ - «صف ها درهم بسته گردد» (ص ۹۶۳ مهدی موعود از انتشارات دارالکتب الاسلامیه که تحت شماره ۱۳۵۰/۱۶۸ - ۲ - ۴ به ثبت کتابخانه ملی رسیده)

۲ - «ساختمانها را محکم میسازند» (همان)

۳ - «مردم از آب باران بی نیاز خواهند شد» (همان)

۴ - «شهر ها به هم نزدیک می شوند» (همان)

۵ - «زن ها در امر تجارت با شوهران خود شرکت جویند» (همان)

۶ - «مردها مانند زنان و زن ها شبیه مردان گردند» (ص ۹۶۱)

امروز هم مردان و هم زنان - با حفظ تفاوت های آناتومی شان - وکیل و وزیر و پزشک و پرستار و خلبان و رفتگر و خیاط و آشپز و سلطان و صدر اعظم و معلم و استاد و محقق و غیره و غیره هستند و این چیزی است که فقط اشخاصی عقب مانده ذهنی از نوع طالبان - مانند خوارج قرن بیست و یکمی هستند - آن را بد میدانند .

۷ - «زن ها بر زین ها سوار شوند» (ص ۹۶۱)

۸ - «حجّت بر همه تمام خواهد شد» (ص ؟)

یعنی قدرت فکری بشر متوسط به آنجا خواهد رسید که اگر بخواهد راجع به صحت و سقم مطلبی تحقیق کند بتواند . که البته امروزه این موضوع در پهنه وسیعی از دنیا حاصل شده و پیش بینی میشود بزودی به کل دنیا تسرّی یابد . البته این یاد داشت ها را خیلی قبل برداشته بودم و اکنون که دارم این مطالب را می نویسم نتوانستم مآخذ مربوطه را پیدا کنم اما چیزهایی که این مفهوم را برساند آنقدر زیاد است که مشخص نکردن سند مربوطه ضرری به مفهوم نمیزند .

۹ - «عرب از قید ذلت آزاد و شهرها را مالک میشود و از فرمان سلطان عجم خارج میشود» (ص ۹۹۷)

این موضوع در دهه سوم قرن بیستم حاصل شد و با تجزیه مملکت بسیار پهناور عثمانی عرب ها مملکت های زیاد و هریک کوچک وضعیفی پیدا کردند و البته به تدریج و با کمک نفت حالا وضعیتشان چنان نسبت به صد سال پیش بهبود یافته که چون همگان میدانند شرحی لازم ندارد .

۱۰ - «اهل مصر حاکم خود را می کشند و شام ویران میشود» (همان)

منظور از شام منطقه ای است که مجموع سوریه و لبنان و اسرائیل را در بر میگیرد .

۱۱ - «بردگان از فرمانبرداری آقایان خود سر باز می زنند» (همان)

۱۲ - «ترس بر اهل عراق و مردم بغداد مستولی میشود» (همان)

۱۳ - «شوکت هر صاحب شوکتی بر طرف شود» (ص ۱۰۲۳)

۱۴ - «وقتی از کشمکش داخلی شام اطلاع یافتید باید از شام گریخت» (ص ۱۰۵۵)

۱۵ - «بازارها به هم نزدیک میشوند» (ترجمه المیزان ج ۵ ص ۶۴۹)

۱۶ - «پوست پلنگ کالای خرید و فروش میشود» (ص ۶۵۰)

۱۷ - «اغنيا به منظور گردش و تفريح به حج ميروند و طبقه متوسط براي تجارت و فقرا براي خودنمائي و ريا» (ص ۶۵۱)

۱۸ - «اقوامی به تعلم فقه اسلامی می پردازند اما برای غیر خدا» (همان)

۱۹ - «زنان برای خود مجالس ترتیب میدهند آنچنان که مردان تشکیل میدهند» (ص ۶۵۵)

۲۰ - «اگر کسی به طلب ریاست بر می خیزد عوضش تنها دنیا است» (همان)

یعنی نباید بجز همان حقوق و مزایای رسمی توقع دیگری داشته باشد .

۲۱ - «فقیه به این منظور فقه میخواند که دنیا و ریاست بدست آورد» (همان)

۲۲ - «آیات آسمانی رخ میدهد ولی کسی از آن نمی ترسد» (همان)

۲۳ - «دنیا به مردم رو می آورد» (ص ۶۵۸)

۲۴ - « گنج های فرعون را از شهری که آن را منف میگویند استخراج میکنند و مسلمین خروج کرده با آنها قتال نموده آن گنج ها را به غنیمت می برند » (الملاحم والفتن ص ۸۶)

۲۵ - «شخص در مسجد عبور میکند ولی دو رکعت نماز در آن نمیخواند» (ص ۱۵۱)

۲۶ - «مهدی خروج نمی کند تا بطور علنی به خدا کافر شوند» (همان باب ۱۷۲)

۲۷ - «مهدی خروج نمی کند مگر اینکه نه رئیسی باقی باشد نه ابن رئیسی» (همان باب ۱۱۳)

۲۸ - «آب نیل بطوری خشک میشود که قطره آبی در آن باقی نمی ماند» (همان باب ۳۸)

۲۹ - «دولت بنی عباس بر پایه حيله و نیرنگ قرار گرفته . این دولت طوری از میان خواهد رفت که اثری از آن باقی نماند . آنگاه دو باره حکومت آنها تجدید میشود بطوریکه گوئی آسیبی به آن نرسیده است» (مهدی موعود ص ۱۰۳۱)

۳۰ - «موقع ظهور او هنوز دولت بنی عباس برقرار است» (همان)

نتایج اولیه

۱ - ظواهر دینی نه تنها کمرنگ نمیشود بلکه گسترش زیادی هم می یابد و همین هم سبب سوء استفاده از این موضوع و سوار شدن بر این موج و کسب قدرت میشود . برای درک بهتر این موضوع کافی است نگاه مجددی بفرمائید به شماره های ۱۷ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۹ و ۳۰

۲ - دموکراسی بسط زیادی می یابد بطوریکه میتوان گفت عالمگیر میشود . برای درک بهتر نگاه مجدد به شماره های : ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۳ و ۲۴ و ۲۷

۳ - تمدن بشری نیز بسط زیادی می یابد مثلا : ۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۲۲ و ۲۳

۴ - وضعیت زنان نیز بهبود فوق العاده ای می یابد : ۵ و ۶ و ۷ و ۱۹

۵ - عقلانیت رفتارهای بشری تعمیق میشود : ۲ و ۳ و ۸

۶ - بشر فعال میشود و به موضوعات اجتماعی واکنش نشان میدهد : ۱

۷- از اهمیت افتادن شعارهای بظاهر معنوی و گرایش به واقعیات : ۲۰

۸- حوادثی که **هم اکنون** در حال وقوع است و نتایج آن را میتوان به یک یا چند تا از عناوین فوق مرتبط کرد : ۱۰ و ۱۲ و ۱۴ و ۲۸

نتیجه نتایج فوق

در اینجا برای درک بهتر مطلب چند سوال مطرح میکنیم :

۱ - فکر میکنید سخنانی که این روایات بر اساس آنها به
دستمان رسیده در چه زمانی گفته شده؟

۲ - این سخنان ، امروز ، چقدر درست به نظر می آید؟

۳ - منشاء این سخنان چه میتواند باشد؟

جواب سوالات فوق واضح است ، این سخنان لااقل از ۱۲۰۰ سال پیش ، به
قبل ، تدریجا در طول دویست و پنجاه سال ، گفته شده ، و درستی آنها
واضح و محسوس و ملموس است ، و آنقدر از زمانه خویش جلو بوده که حتی
تا اوائل قرن بیستم نیز اصلا درست به نظر نمی آمده و حتی نشانه ای نیز از
سیر حوادث به طرف درستی آنها رویت نمی شده ، و این نوع پیشگوئی ها
که پس از مدتهای مدید و اعصار و دهور به تحقق می پندد ، یک منشاء
بیشتر نمیتواند داشته باشد ، که آنهم وحی ! است .

خودِ پیشگوئیِ موضوع ظهور امام زمان نیز از همان منشاء است ، آنهم واضح
و مکرر و متواتر ، و از زبان خود پیامبر (ص) و تک تک امامان (ع) ، بطوریکه
میتوان گفت هیچ پیشگوئی ، مانند این مطلب ، از زبان همه معصومین ما ،
اینقدر مکرر و متواتر صادر نشده است .

تخمینِ نزدیک یا دور بودنِ ظهور

به چند دلیل ظهور آنحضرت به این زودیه‌ها نیست :

۱ - رفتارهای «طالبان»ی مسلمانان احمق و افراطی اعم از شیعه و سنی که با رفتار خویش این فکر را در ذهن مردم عادی میکارند که «اگر مسلمانی این است ما اسلام نمی خواهیم»

۲ - برخی وقایعی که قبل از ظهور آنحضرت اتفاق می افتد ، که در پیوست دو از برخی از آنها نام بردیم ذاتا و ماهیتا طوری هستند که نمیتوان امید وار بود که در ۵۰ سال آینده به وقوع بپیوندند . مثلا وقایع شماره ۸ و ۱۳ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹

بطور کلی ، روند به وقوع پیوستنِ وقایع مذکور در گرو رشد دموکراسی و نیز رشد رسانه های آزاد است ، و چون این دو موضوع به سرعت دارد رشد میکند امید میرود که تا ۵۰ سال آینده مقدمات مذکور تکمیل شود و ظهور به وقوع بپیوندد ، انشاءالله .

از همین قلم :

تفسیر قرآن به نام : «سخن نو در تفسیر قرآن»

۱- جلد ۱ (شامل فهرست الفبائی تفسیر سوره ها ، مبانی و روش تفسیری ، و کلید های تفسیر قرآن ، و تفسیر چند سوره اولیه نزول قرآن به ترتیب نزول)

۲- جلد های ۲ تا ۱۰ (شامل تفسیر بقیه سوره ها به ترتیب نزول)

این تفسیر ، چنانکه از بخش «مبانی» در جلد اول - و نیز از خودِ متنِ تفسیر سوره ها - پیدا است ، کاملاً «روش مند» و منظم و قابل آموزش است و چون به ترتیب نزول است خواننده هنگام مطالعه آن گوئی که پا به پای رسول خدا (ص) حرکت نموده و آن روزها را درک میکند و مطالب جنبی قابل ملاحظه ای رانیز علاوه بر متنِ خود تفسیر در می یابد که مجموعاً از خواندن آن لذت معنوی زیادی می برد و از این لحاظ از هر تفسیری متمایز است .

سایر کتاب ها

۱ - پیدایش انسان ، برگزیدگی آدم ، ماهیت شیطان

پس از انتشار کتاب «اصل انواع» در قرن ۱۹ به قلم چارلز داروین کلیسای کاتولیک به شدت در مقابل آن موضع گرفت و آن را کفر آمیز خواند ، و از آن پس تا کنون هم این موضع را حفظ کرده ، و حق هم دارد زیرا در مندرجات و استنتاجات آن کتاب مطالبی هست که بطور وضوح مغایر نصوص «کتاب مقدس» آنها است . اما جای تعجب است که چرا علمای اسلام هم وارد همین موضع شدند زیرا مندرجات و استنتاجات آن کتاب با « کتاب مقدس مسلمانان» تضاد و تنافری ندارد ، زیرا او بر اساس مشاهده و تجربه به چیزی رسید و آن را نوشت ، و مشاهده و تجربه هم چیزی است که قرآن دائماً همه را به آن دعوت میکند .

در این کتاب ، موضوع «پیدایش انسان در روی زمین» که روایتِ این جهانی پدیده مذکور است ، از موضوع «برگزیدگی آدم» که روایتِ فرا جهانی آن پدیده است ، جداگانه ، و تماماً با ذکر آیات قرآن و استنتاج از آن ، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده که خلط دو بحث سبب آن سوء تفاهم بزرگ گردیده است و قرآن مخالفتی با نتایج علوم تجربی ندارد .

ضمناً چون ابلیس و شیطان نیز یکی از عناصر روایتِ فرا جهانی مذکور است در باره ماهیت شیطان نیز بحثی قرآنی در این کتاب وجود دارد .

۲- سره و ناسره در روایات معراج

در این کتاب دو روایت از المیزان در باره معراج نقل شده که یکی موافق قرآن است و دیگری که خیلی هم بلند و طولانی - حدود بیست صفحه با قلم ریز - است ، چنانکه در متن کتاب بطور تفصیل نشان داده شده ، ۱۶ مورد مخالفت با قرآن ، ۱۰ مورد مخالفت با عقل ، و ۴ مورد مخالفتِ قسمت هائی از روایت با قسمت های دیگری از همان روایت در آن است ، و این از باب نمونه است و نتیجه گرفته که در باب تفسیر قرآن می باید درستی روایات را از قرآن فهمید نه بر عکس ، و اینکه اگر مفسر به ترتیب نزول کار کند دچار این نوع خطا ها نمیشود .

۳- سیر و سلوک قرآنی

«تعالی نفس» همیشه یکی از دغدغه های خاطر برخی از انسان ها بوده و از این پس هم خواهد بود ، و مکاتب گوناگون از قبیل متصوفه (اعم متصوفه مسلمان و مسیحی و یهودی و نیز هندی و بودایی و امثالهم) و غیره برای این دغدغه خاطر نسخه هائی پیچیده اند و که نتیجه اش پیدایش اینهمه خانقاه و دیر رهبانی گری و اشکال دیگر چیزی است که به عنوان محل «سیر و سلوک» و «تهذیب نفس» شناخته میشود ، در این کتاب ، از لحاظ قرآنی - که صالح ترین مرجع برای این مقوله است - به این دغدغه خاطر پرداخته و روشهای قرآنی سیر و سلوک و تهذیب نفس را بازگو نموده است .

۴ - شناختِ وجوه کَلّی اعجاز قرآن

در این کتاب از ۹ لحاظ کَلّی به «غیر قابل گفتار بشر بودن» قرآن ، و اینکه گوینده قرآن باید کسی باشد که آنقدر علم داشته باشد که بتواند آسمانها و زمین و خود بشر را بیافریند ، پرداخته ، و نشان داده که چرا مسلمانان قرآن را - به حق - معجزه میدانند . این کتاب برای کسانی «مسلمان

شناسنامه‌ای» بوده و مایلند در اصل مسلمانی خویش از شک و تردید بدر آیند خیلی مفید است .

۵ - آثار قوم لوط

در این کتاب با ذکر آیات مرتبط به داستان قوم لوط و نوع عذاب آنها ، به کاوشگران و باستان شناسان سرخ هائی از متن قرآن داده شده ، که کجا را مورد حفاری های باستان شناسانه قرار دهند که آثار آن قوم را بیابند و از این طریق ، هم قسمتی از «ماقبل تاریخ» را به «دوره تاریخی» بیاورند ، و هم سند مهم دیگری بر اسناد موجود اعجاز قرآن بیافزایند .

۶ - حدود شفاعت

این نگارنده در نوجوانی از یکی از وعاظ مشور آن زمان شنیده بود که بالای منبر میگفت «تو شیعه باش و زنا کن» و «سَنی چه حج کند و چه زنا کند یکی است» در این کتاب با این خرافه برخورد شده که کسی فکر نکند به صرفِ مسلمان زادگی و شیعه زادگی همه چیزش مرتب است و مورد شفاعت واقع خواهد شد و حدّ و حدود شفاعت را با استفاده از متن خود قرآن باز گویی کرده است .

۷ - مسیر فرایند ظهور امام زمان (ع)

در این کتاب تصوراتِ خرافی رایج در باره ظهور امام زمان (ع) را تصحیح کرده ، و علاوه بر آن ، مستندات قرآنی وجود آنحضرت را نیز بیان نموده ، و نیز به بررسی برخی از روایات مرتبط با «آخرالزمان» پرداخته ، و در مجموع نشان داده که این بخش از عقاید شیعیان چقدر صحیح ، و چقدر قرآنی ، و چقدر معقول است .

۸ - خلاصه ترین تفسیر قرآن

این کتاب در حقیقت متن عربی قرآن به ترتیب نزول است که هم - برحسب همگن بودن آیات - پاراگراف بندی شده ، و هم «درس» (عصاره مطلب سوره) و هم «درب ها» (عصاره مطلب پاراگراف ها) را دارد . و برای کسی که مختصری عربی بداند خلاصه ترین تفسیر قرآن است و خود این نگارنده برای مطالعه روزانه قرآن از این کتاب استفاده میکند .

۹ - سخن نو در ترتیب نزول ، و زمان نزول سوره ها ، و حروف مقطعه

این کتاب ضمن اینکه به سه موضوع جذاب (ترتیب نزول ، تاریخ نزول ، و حروف مقطعه) می پردازد و نو ترین سخن را در باره آنها عرضه میکند ، از این لحاظ که چگونه این روش تفسیری – که در تفسیر فوق الذکر استفاده شده – سبب گسترش و تعمیق دانش ما در باره سه مقوله فوق شده ، قابل توجه مفسران و محققان جوان است ، که از ابتدای کار تفسیر و تحقیق ، بدانند که چنین روشی هم هست که به پیدایش چنین نتایجی کمک کرده است .

مطالب فوق را میتوانید در سایت: tafsir.jamal-ganjei.com
بیابید ، ضمناً ایمیل : jamalganjei@gmail.com برای
پاسخ به سوالات در خدمت است .

